

# از ویا تا کرونا

مروری بر تاریخ شیوع بیماری‌های واگیرداری که جان افراد بسیاری را در مشهد گرفته است

طوبی ارشد

این روزها حرفمان، غممان، ترسمان و اگر دروغ نگفته باشیم، درد مشترک همه‌مان، شده و پیروسی که با چشم مسلح هم به سختی دیده می‌شود اما قدرتش را دارد که دنیایی به این بزرگی را درگیر خود کند و این نخستین بار نیست که جهان، ایران و مشهد ما از بلایی شبیه این زخم می‌خورد. با طاعون، سل، تیفوس و حصبه، بیماری‌های همه‌گیری هستند که رد پای آن‌ها را می‌توان در سراسر تاریخ و در نقاط مختلف این کره خاکی دید. این وقایع به دلیل کشتار بسیار زیاد و همراه شدن با ترس عمومی جامعه گاهی چنان مهم می‌شده‌اند که بر ایشان کتاب‌ها نوشته‌اند. شرح جان‌گیری‌شان در کاغذها آمده است و حتی صفحه‌دفتی خاطرات رجال سیاسی، سیاحان و جهانگردان را به نام خودشان جوهری کرده‌اند. بیماری‌های فراگیر در گذشته معمولاً با ویداهایی مانند جنگ، خشک‌سالی و قحطی یا مرگ‌ومیرهای پس از بلایای طبیعی مانند زلزله‌ها و آلودگی‌ها می‌گرفته و دست در گریبان پیر و جوان می‌انداخته است. در این میان و در کنار همه این عوامل، زائرپذیری بودن مشهد و قرار گرفتنش بر سر راه جاده ابریشم، آن را در مقایسه با دیگر شهرها آسیب‌پذیرتر می‌کرده است؛ زیرا بیشتر بیماری‌هایی که به این شهر نفوذ می‌کرده است، به واسطه کاروان‌هایی بوده که از راه‌های دور و نزدیک به این نقطه می‌رسیده‌اند. در ادامه نگاهی انداخته‌ایم به اسناد تاریخی به جامانده از روزگاری که بیماری‌های همه‌گیر در خراسان و مشهد قاتل جان مردم می‌شدند.

## ● کی حکم بکنند و کی بشنود؟

«آلتور»، «ویا» یا «مرگامرگی» از بیماری‌های فراگیری بوده که در گذشته، خسارات جانی بسیاری در ایران و مشهد بر جای گذاشته است. طبق منابع تاریخی، نخستین بروز و شیوع بیماری ویا در دوره قاجاریه به حوالی سال ۱۱۷۶ خورشیدی در محدوده آذربایجان بازمی‌گردد و به دیگر بلاد سرایت می‌کند. پس از آن، ویا تقریباً هر یک یا چند دهه ظهور و افول داشته است. اعتمادالسلطنه حدود ۱۲۰ سال قبل در خاطراتی می‌نویسد: «امروز شنیدم ویا در مشهد روزی هفتاد تا هشتاد نفر را تلف می‌کند. یقین دارم که ده روز دیگر در اردوی پاکستان خواهد بود. ممکن بود یا مبلغ کمی مخارج قرانطین بگذرانند، شاید این مرض به جای دیگر سرایت نکند اما کی حکم بکنند و کی بشنود؟ انالله و انالیه راجعون.» در کتاب «تاریخ پزشکی در ایران» نیز آمده است که در سال ۱۲۲۰ خورشیدی، ویا در مشهد،

روزانه جان ۱۰۰ تا ۱۲۰ نفر را می‌گرفته است. گویا در همین سال، کاروانی پنج‌هزارنفره از زوار به مشهد می‌رسند که تعدادی از آن‌ها در مسیر حرکتشان به این سمت، به ویا مبتلای می‌شوند و همین موضوع سبب گرفتاری اهالی شهر به این بیماری می‌شود.

## ● وقتی یک چهارم شهر جان می‌دهند

آمارها در سال‌های مختلف قرن گذشته، عددهایی بین ۵ تا ۸ هزار مرگ‌ومیر ناشی از ویا را برای مشهد ثبت کرده‌اند اما وحشتناک‌ترین این رقم‌ها شاید ۲۰ هزاری باشد که برای سال ۱۲۷۰ خورشیدی نوشته شده است. در این سال، این بیماری که از کشورهای همسایه به مشهد رسیده است، چنان کشتاری به راه می‌اندازد که در عرض چند ماه، جان یک چهارم جمعیت شهر را می‌گیرد. پس از آن و به فاصله کمتر از ۱۲ سال دوباره ویا به شهر شبیخون می‌زند و

آن چنان قربانی می‌گیرد که حاکمان وقت برای نخستین بار، شهر را قرنطینه می‌کنند و هر گونه آمدوشد از سمت مرزها به‌ویژه افغانستان ممنوع می‌شود.

## ● راه خراسان به کرمان را ببندید

طبق اسناد باقی‌مانده، حوالی سال ۱۲۹۶، کنسولگری انگلستان در مشهد، طی تلگرافی، خبر وحشتناک شیوع ویا در شهر را این‌طور مخابره می‌کند: «ناخوشی ویا در کمال سختی در مشهد سه روز است بروز کرده است؛ به طوری که نصف از مبتلایان تلف می‌شوند. چون مسافرین کرمان به خراسان و خراسان به کرمان زیاد هستند، به طوری که هم‌هفته عده زیادی، چه مسافر چه کاروان مال‌التجاره، از این خط عبور می‌کنند و هر وقت مرض ویا در مشهد بروز کرده است پس از چند روز به کرمان سرایت کرده است؛ علی‌هذا، برای اینکه فوری جلوگیری شود، روز گذشته

دایره حفظ‌الصحة ایالتی را منعقد و با حضور اطباء و دکتر انگلیس، ترتیب قرانطین برای آن خط داده شد که در دریند، که اول خاک کرمان است گذارده شود و بیست نفر سواره هم برای به افق میانه راه خراسان و یزد و کرمان معین شد و فردا حرکت خواهند کرد.» غلامرضا آذری خاکستر در پژوهشی می‌نویسد بیماری‌ها در گذشته آن چنان قربانی داشته‌اند که گاهی چرخ اقتصادی یک شهر را فلج می‌کرده‌اند؛ «در سال ۲۹۰ قمری وقوع آفاتی مانند طاعون و وبا جمعیت ایران را به عمیق‌ترین فقر کاهش داد. اگر وسعت ایران آن روزگار را در نظر بگیریم، آثار این کاهش را می‌توانیم در رکود کشاورزی، صنعت و تجارت ببینیم.»

## ● طاعون در خراسان

ویا و طاعون تقریباً همیشه با یکدیگر همراه بوده‌اند. یکی از قدیمی‌ترین اخبار مربوط به طاعون در خراسان را می‌توان



در گزارش «محمد بن خاوندشاه» معروف به «میرخواند» به سال ۷۸۰ ه.ق. دید. او می‌نویسد: «در تابستان، بیماری طاعون در کلات ظاهر شده و بسیاری از مردم آنجا به هلاکت رسیدند.» همچنین با شروع جنگ‌های ایران و قوای روسیه در دوران قاجار، طاعون مرگباری، همه ایران و عراق را درمی‌نوردد. طاعون از اواخر سال ۱۲۴۶ تا اواسط ۱۲۴۷ ه.ق، طیف جغرافیایی وسیعی از ایران و عراق را می‌گیرد و سبب کشتار فراوان در خراسان می‌شود. منابع تاریخی می‌گویند که ایران سال ۱۲۸۸ قمری به چنان قحطی وحشتناکی دچار می‌شود که مردم دسته‌دسته از گرسنگی جان می‌داده‌اند و اجساد آنان برای روزها و ماه‌ها بر زمین می‌ماندند. فساد نعش در این ایام سبب بروز بیماری‌های مختلفی می‌شود. در بخشی از تلگرافی که در این ایام مخابره شده نوشته شده است:

«غلات کمیاب است. گرسنگی مانند وبا جان می‌ستاند.» همچنین در روایت این ایام آمده است: «اجساد مردگان جاده‌ها را پوشانده و هوارا با تعفن ناشی از ندیدن آن‌ها مسموم کرده است.» در سال ۱۳۰۰ خورشیدی نیز طاعونی که در سرخس خراسان شیوع پیدا می‌کند، جان صدها نفر را می‌گیرد. وقتی طاعون و وبا دیگر ترسناک نیستند بعد از مشروطه با بهتر شدن معیشت و بهداشت به مرور اخبار ابتلا به بیماری‌هایی چون ویا، طاعون، تیفوس، سل و حصه کمتر شد. این موضوع را می‌توان در گزارش‌های درج شده در کتاب «نفوس ارض اقدس» به خوبی مشاهده کرد. در بخشی از این کتاب، آمار متوفیان بیماری‌های عفونی در دهه دوم قرن حاضر به این شرح درج شده است: «پله ۱۲۴ نفر، تیفوس ۹۵ نفر، حصه ۵۸۷ نفر، دیفتی ۵۷ نفر، وبا ۲۲۳ نفر.»

مروری بر تاریخ مبارزات مردم مشهد برای ملی‌شدن صنعت نفت در ایران

## روزگارِ طلای سیاه

استادگی کردند و خواهان ملی‌شدن صنعت نفت شدند. رزم‌آرا نخست‌وزیر اما به جای همکاری با این عده، به خواست آنان واکنش نشان داد و در سخنانی توهین‌آمیز، ملت ایران را فاقد توانایی لازم برای اداره صنعت نفت دانست.

## ● روزنامه‌ها نخستین گروهی بودند که پای کار آمدند

در این زمان، شخصیت‌ها، روزنامه‌ها و احزاب همفکر و همسو با کاشانی و مصدق که در مشهد کم نبودند، سخت به رزم‌آرا اعتراض کردند. روزنامه «صدای خراسان» وابسته به حزب ایران شعبه مشهد، در مرز مقاله‌ای تند علیه رزم‌آرا، ۳ ماه توقیف شد. فرزین، مدیرمسئول روزنامه «شهره»، چاپ مشهد نیز به علت انتقاد از رزم‌آرا تحت تعقیب قرار گرفت. روزنامه «تشی شرق» هم که انتشار آن از تیرماه ۱۳۲۹ در مشهد آغاز شده بود، در آغاز انتشار خود، به حکومت رزم‌آرا حملات شدیدی کرد و مردم را به مبارزه علیه عوامل فساد و ابدی ناپاک و خائن فراخواند.

روزنامه «ایران مبارز» چاپ مشهد نیز در یکی از شماره‌های خود در آذر ۱۳۲۹ مردم را این‌گونه به مبارزه دعوت کرده است: «صنعت نفت باید ملی شود. ای خراسانی آخر تو هم حرکتی خراسانی عزیز آیا موقع آن نرسیده که تو هم با سایر شهرستان‌ها هم‌صدای شوی و ملی‌گردن صنعت نفت را از مجلس و دولت بخواهی؟»

این روزنامه در ادامه، در راستای همکاری با مردم اعلام کرد که حاضر است تلگراف‌های مخابره‌شده درباره ملی‌شدن صنعت نفت را از سوی هر طبقه اجتماعی به رایگان چاپ کند. چندی بعد روزنامه «خراسان» هم که در جریده خود از دولت رزم‌آرا انتقاد کرده بود، به علت فشارهای حکومتی تعطیل شد.

به‌رغم اعتراضات جامعه مطبوعاتی خراسان به فشارهای وارده از طرف رزم‌آرا به مطبوعات پایتخت و توقیف برخی از آن‌ها، وی حاضر به دست‌برداشتن از فشار بر مطبوعات نشد. در نتیجه اعضای انجمن روزنامه‌نگاران خراسان دست به تحصن زدند و در تلگرافخانه مشهد جمع شدند. علاوه بر روزنامه‌نگاران و اهالی مطبوعات، گروه‌های سیاسی مشهد هم که به مسئله نفت حساس بودند، واکنش نشان دادند.

## ● نقش «کانون نشر حقایق مشهد» در ملی‌شدن صنعت نفت

به‌جز هیران و اعضای احزابی که نماینده احزاب بزرگی چون «حزب ایران»، «حزب میهن» و... در مشهد بودند و در چهارچوب فعالیت‌ها و دستورالعمل‌های حزب متبوع خود کوشش می‌کردند، باید از «کانون نشر حقایق اسلام» به‌عنوان مهم‌ترین گروه سیاسی و مذهبی مشهد در جریان مبارزه برای ملی‌شدن صنعت نفت، نام برد. این گروه مذهبی که در نخستین سال‌های دهه ۲۰

هفته آخر اسفند همیشه یادآور روزهای ملی‌شدن صنعت نفت در ایران است. واقعه‌ای که تأثیرش را سواً تاریخ ایران در تاریخ شهرهای این مرزوبوم هم می‌توان دید. مشهدید از جمله شهرهایی است که در خلال این ماجرا اتفاق‌هایی را از سر گذرانده است که روایتش را می‌توان در کتاب «تاریخ معاصر ایران» نوشته دکتر یوسف متولی حقیقی

دید. او می‌نویسد: «کشور انگلستان در دوران حضور دویست‌ساله استعماری خود، امتیازهای مختلفی از دولت‌های ایران دریافت کرده بود اما بدون تردید اثرگذارترین و پرچالش‌ترین و طولانی‌ترین این امتیازها حق امتیاز استخراج و بهره‌برداری از منابع نفتی «استان جنوبی ایران» بود. این امتیاز نخست در سال ۱۳۲۰ ه.ق به «ولیم تاکس داری» سرمایه‌گذار انگلیسی داده شد و سپس دولت انگلستان به‌طور مستقیم و در قالب شرکت «بریتیش پترلیوم» مسئولیت بهره‌برداری از این امتیاز را برعهده گرفت. زمانی که این امتیاز به انگلیسی‌ها داده شد، نه مظفرالدین شاه قاجار می‌دانست چه امتیازی می‌دهد و نه داری تصور می‌کرد که با این امتیاز صاحب بزرگ‌ترین منابع نفتی جهان می‌شود. با این حال مفاد این قرارداد به‌گونه‌ای بود که حداکثر ۱۶ درصد از سود حاصله از فروش نفت به ایران تعلق می‌گرفت. در دوره رضاشاه با تلاش‌های کسانی چون عبدالعسین تیمورتاش، وزیر دربار ایران، کوشش‌هایی برای تجدیدنظر در این قرارداد یک‌جانبه صورت گرفت اما انگلیسی‌ها بعد از اینکه رضاشاه این قرارداد را پاره کرد و آتش انداخت، او را مجبور به پذیرش قرارداد نفتی دیگری در سال ۱۳۱۲ خورشیدی کردند. این قرارداد نه تنها برتری محسوس نسبت به قرارداد داری نداشت، بلکه افزودن ۲۰ سال به قرارداد قبلی، از امتیازات جانبی ایران نیز می‌کاست. با سقوط رضاشاه و اشغال ایران توسط متفقین، انگلیسی‌ها نه تنها حاضر به دست‌برداشتن از نفت جنوب ایران نبودند، بلکه تمایل شدیدی برای چنگ‌انداختن بر منافع نفتی ایالت‌های شمالی ایران نیز داشتند.»

## ● تلاش برای ملی‌شدن صنعت نفت

در این هنگامه، مجلس چهاردهم که می‌توان آن را شاخص‌ترین مجلس ایران بعد از سقوط قاجار به تلقی کرد، با تلاش‌های نمایندگان و در رأس آنان، دکتر محمد مصدق، قانونی را که به «قانون موازنه منفی» معروف شد، به تصویب رساندند که دولت ایران را از واگذاری هرگونه امتیازی به بیگانگان تا قبل از اتمام جنگ جهانی دوم منع می‌کرد. تصویب این قانون، همراه با کوشش‌های دولت قوام‌السلطنه، نه تنها روس‌ها را از فکر دریافت این امتیاز منصرف کرد، چندی بعد و در مجلس شانزدهم، مصدق و کاشانی در رأس فراکسیون جبهه ملی در برابر دادن امتیاز نفتی به کشورهای دیگر سخت

# موتور برقی

## = کاهش آلودگی هوا

جهت پیش ثبت نام  
به سایت [ftm.mashhad.ir](http://ftm.mashhad.ir)  
مراجعه فرمایید



مجلس شورای اسلامی  
معاونت عمران، حمل و نقل و ترافیک  
معاونت میراث، صنایع و گردشگری